



کلایه

نمیخوام بهت بگم دوست دارم
 آخه خیلی واسه عشق تو کمه
 به تموم کارای روی زمین
 زل زدن به چشم تو مقدمه
 حتی آوردن اسم تو واسم
 مثل یک مراسم مقدسه
 واسه مستی یه عمرم یه نفس
 بودن کنار تو برام بسه
 نمیخوام نگامو از تو بگیرم
 نکته که گم بشی تو سایه ها
 حتی دردودل برات نمیکنم
 تا دلت نگیره از گلایه هام
 دل ما با هیچکسی راه نمیاد
 تو حریفه من و تنهایی میشی
 وقتی شب تو موج رویا گم میشم
 تو برام پری دریایی میشی

اسمون با بارونای دیشبش
 چکیده تو آبی چشمای تو
 آگه تو تو زندونم پابرداری
 دیوارش باز میشه فرش زیر پای تو

+++++

پسر م

پسر م بزرگ شدی لالایی هام یادت نره
 چه قدر برات قصه بگم دوباره خوابت ببره
 چقدر نوازشت کنم تا تو به باور برسی
 این دو تا دستای منه تو این روزای بی کسی
 وقتی بابای قصه هات خم شده پیش روی تو
 آگه چروک صورتم می بره آبروی تو
 لالایی هام یادت نره
 لالایی هام یادت نره
 بذار برات قصه بگم دوباره خوابت ببره
 بذار برات قصه بگم دوباره خوابت ببره
 از اون روزا که مشتت من با دست تو وا نمی شد
 تو خواب و بیداری تو هیچ کسی بابا نمی شد
 اون که تو اوج خستگیش خنده رو لباش بودی
 شب که به خونه می رسید سوار شونه هاش بودی
 لالایی هام یادت نره

لالایی هام یادت نره
بذار برات قصه بگم دوباره خوابت ببره
بذار برات قصه بگم دوباره خوابت ببره
لالا لالا گلکم لالایی کن دلبرکم
خواب پریشون نبینی ای غنچه بانمکم
لالا لالا گلکم لالایی کن پسرکم
چشماتو گریون نبینم گریه نکن دردونکم

لالایی هام یادت نره
لالایی هام یادت نره
بذار برات قصه بگم دوباره خوابت ببره
بابا آگه دلش پره از دست دنیا دلخوره
امون زندگیشت تویی وقتی که غصه میخوره
+++++

امون

دارم از یاد تو می رم عشق من کاری بکن
شاید از غصه بمیرم عشق من کاری بکن
امون از این عشقی که عاشقم نیست
امون از این گل که شقایقم نیست
امون از این یار نفس بریده
امون از این بغضی که هقهم نیست
تازه می خواستم تو دل تو جاشم
تازه می خواستم به تو مبتلا شم
خراب شدی رو سر آرزو هام
تاوان این عشقو من از تو می خواهم
نفرین به من که پر پرت نکردم
مثل خودم در به درت نکردم
دستتو خوندمو چشممو بستم
از حالو روزم خبرت نکردم
نفرین به تو که باورم نکردی
عاشق شدم عاشق ترم نکردی
سوختمو دل به هیچ کسی ندادم
تو سایه تو تاج سرم نکردی
+++++

سرمه

سرمه میکشی به چشمات، لحظه شاعرانه میشه
زخمه میزنی به سازم، زخم من ترانه میشه
قصه قصه از تو میگم، تو که شاه پریونی
میتونی مثل یه رویا، منو تا عشق برسونی
وقتشه که از حضورت، رگ قصه خون بگیره
وقته انهدام بغضه، بذار گریمون بگیره
نامیدم نکن از عشق، من که پای تو شکستم
مثل من باش مثل من که، ساده مثل کف دستم
مثل من باش، مثل آینه، به همین ترانه خو کن
شب شکن باش، مثل مهتاب، شب به شب ستاره رو کن

++++

داغ عاشقی

چشمای تو کاره کجای دنیاست، که حسرت فقیر و پادشاهه
هزارتا کشته و کمون ابروت منتظره فقط یه نیم نگاهه

چی بگم از کمند گیسوهای، که مثل بخت من سیاهه
چی بگم از دلی که عاشق نوست، دلی که تنها موندنش گناه
آخ که چه دلسنگی تو نازنینم، با ما سر جنگی تو نازنینم
الهی داغ عاشقی نبینی، یه روز نیاد که اشکتو ببینم
من غزل سرکشی هاتو خوندم، قصه عاشق کشی هاتو خوندم
اگه تموم دلخوشیم نبودی، نمیدونم به عشق کی می موندم
تازگی خیلی هواتو کردم، هواي قهر و آشتی هاتو کردم
ساده بگم به جون هرچی مرده، تا جون دارم دوره سرت میگردم
++++

کلم

چقدر دستات و کم دارم چقدر دلتنگ چشماتم
تو رو میبینم از دور و هنوز محو تماشاتم
چه بی حاصل به دور تو مثل پروانه میگردم
گناهم شاید این بوده که من عاشق ترین مردم
دلم خوش بود که تقدیرم به دست تو گره خورده
کسی جز دست نا اهلش دل ما رو نیازده
دلم خوش بود که با عشقت همه دنیا حریفم نیست
شنیدم عاقبت گفتمی که عاشق مثل من کم نیست
گلم گلم ندارم به روم نیار که باختمت

به جون عاشقم قسم دست خدا سپردمت

دست خدا سپردمت...

+++++

پرواز

منو ببر با خنده ای به جشن بارون و سکوت
خیسم بکن با عاطفه ببر منو از برهوت
محتاج دیدن توام نگاه بارونی تو
موج نگاه سرکشت احساس کارونی تو
تو کوره دستات بگیر این دست سرد بی کسو
یاری بکن با نفسات پرنده هم نفسو
تشنه پرواز بلند تو اسمون چشماتم
تو اتیشم پا بذاری تا پای جونم باهاتم
خیره میشم به چشم تو پلکو به هم نمیزنم
تا ذهنت اشفته نشه بدون که دم نمیزنم
منو ببر دل خسته ام زمستون اخر نداره
بی تو پرستوی دلم بهارو باور نداره
منو ببر ببر منو میخوام که تا تو گم بشم
محو سکوتم بشمو دوباره تا تو گم بشم
تشنه پرواز بلند تو اسمون چشماتم
تو اتیشم پا بذاری تا پای جونم با هاتم

++++++

دست رد

چه فد باید ناز بکشم تا عشقمون ثمر کنه
چه فد برات شعر بخونم تا به دلت اثر کنه
نذار با اخم و تخم تو لحظه هامون حروم بشه
نذار بمیره عاشقی نذار دلی ضرر کنه
به سینه دست رد زن به بختمون لگد زن

نگو به هم نمی رسیم اینقد نفوس بد نزن
بترس از اون روز عزیزم که قصه تکراری بشه
عاشقی با ناز زیاد شبیه بیگاری بشه
به حرف من گوش نمیدی ولی می خام بهت بگم
نخواب که اشک از چشای عاشق تو جاری بشه
به سینه دست رد نزن به بختمون لگد نزن
نگو به هم نمی رسیم اینقد نفوس بد نزن
چشای اشکبار باید بره به دریا برسه
از شب دوری بگذره به صبح فردا برسه
عزیز دوست داشتنی ام به خاطر خدا بذار
که دست مجنون این دفعه به دست لیلا برسه

++++

راز

یه رازی هست میون ما بین من و تو و خدا
واسه همین وقت سفر ازت نپرسیدم چرا؟
تو آسمون بی کسی عشقت مثل ستاره بود
رفتی و من خوب می دونم این تنها راه چاره بود
تور سپید بخت تو عزیزم می خوام ببینم رو موی قشنگت
خوشبختی تو آرزوی منه قریون اون دل همیشه تنگت
گذشتن از اون همه عشق برای من ساده نبود
با اینکه پرپر می زدم باید می رفتی دیر یا زود!
دیگه واسه تموم عمر می گذرم از خواستن تو
چیزی شبیه معجزه است از این به بعد دیدن تو
برو عزیز رفتنی جاتو به دنیا نمی دم
خیالت آسوده باشه راز تو هیچ جا نمی گم